



جمال شورهج (ایلمسان)

ابوالقاسم طالبی (ایلمسان)

محمد کاسبی (بازیکر)

رسول ملاقلی‌پور (ایلمسان)



**هالیوود زیر ذره‌بین**

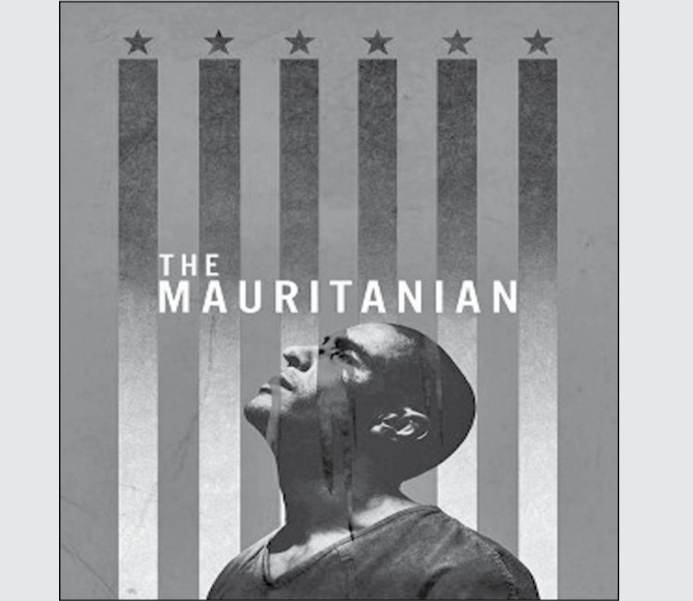
**نگاهی به فیلم «هوریتانیایی» The Mauritian**

## کلاسیسی استرلینگ در گولدن‌گلادو

سعید مستغابی

یک فیلم دیگر از عوارض ۱۱ سپتامبر و قضایای گوانتانامو و ماجرای ربودن و شکنجه بازداشت شدگان این زندان مخوف که هنوز پس از گذشت ۲۰ سال، همچنان در بردهای از ابهام مانده و ساخت کنترل شده تنها دو سه فیلم درباره یا پیرامون آن، مانند برخی نقاط ناگفته و پنهان تاریخ ایالات متحده نشان از حساسیت این موضوع برای آمریکا دارد. کوین مک دونالد که در اصل مستند ساز است (و یک فیلم مستند او هم به نام «یک روز در سپتامبر» در سال ۱۹۹۹ جایزه اسکار گرفت) در تازه‌ترین فیلم خود به نام «هوریتانیایی» براساس کتاب «خاطرات گوانتانامو» به داستان واقعی «محمود صلاحی» (نویسنده آن کتاب و از بازداشت شدگان پس از ۱۱ سپتامبر) پرداخته که تنها یکی از حدود ۷۰۰ فاجعه زندان گوانتانامو به شمار می‌رود. از میان بیش از ۷۰۰ نفری که سالها در این «الکتاز قرن ۲۱» بدون هیچ اتهام ثابت شده و دادگاه و محاکمهای زندانی بودند، بنا برآنچه در نوشته‌های انتهایی فیلم می‌آید، تنها اتهامات ۹ نفر اثبات شد که از میان آنها نیز ۳ نفر تیره شدند! محمود صلاحی (طاهر رحیم)، یک موریتانیایی مقیم آلمان است که به دلیل ارتباط پسر عمویش با بن لادن و همچنین حضور برخی از دوستاش در القاعده، به اتهام مهندسی عملیات یازده سپتامبر، در نوامبر ۲۰۰۱ دستگیر شده و پس از مدتی بازداشت در اردن و بگرام افغانستان به گوانتانامو فرستاده می‌شود. در آنجا تحت شکنجه‌های سخت قرار گرفته تا به آنچه مدنظر آمریکاییان است، اعتراف کند. پس از سالها بی خبری در سال ۲۰۰۵ به کیلی و بن نامی ناسی هالندر (جوی فاستر) مراجعه می‌شود تا وکالت محمود صلاحی را برعهده بگیرد. این در حالی است که یکی از آسیب دیدگان ۱۱ سپتامبر که نزدیکترین دوستش را در آن حادثه از دست داده به نام سرهنک استیوارت کوچ (بن‌دیکت کامبریج) قرار است به عنوان نماینده دادستانی ارتش، اتهام محمود را اثبات کرده و او را به پای اعدام برساند. کوین مک دونالد اگرچه در فیلم معروف داستانی دیگری به نام «آخرین پادشاه اسکاتلند» (۲۰۰۶) به خاطر حضور محوری «فرانتس وینتاکر» در نقش ایدی امین، نواسته بود، فیلمش را به درامی جذاب تبدیل کند، اما گویا حضور جودی فاستر کهنه کار و طاهر رحیم (که او را در فیلم «گذشته» اصغر فرهادی و «طلای سیاه» ژان ژاک آنو به خاطر داریم) و همچنین بن‌دیکت کامبریج با استعداد هم توانسته از مستندمانی ضد درام او جلوگیری کند.

شاید جودی فاستر تنها در نیمه اول فیلم که تاحدودی یادآور نقش کلاریس استرلینگ وی در فیلم «سکوت برها» است، توانسته با زنده کردن خاطر آن نقش به یاد ماندن، فضای فیلم را در دست بگیرد. ناسی و کیل نیز اگرچه مانند کلاریس مامور اف بی‌آی، تازه کار نیست اما مثل او خطر می‌کند و بسیاری کنایه‌ها و فشارهای کاری را به جان می‌خرد تا علیرغم مخالفت شرکت وکالت خود، به دفاع از یک متهم تروریسم در اواسط دهه ۲۰۰۰ بپردازد، آنچه کمتر از آن گپ زن‌های دوستانه با دکترانببال لکتر آدمخوار نیست.



اما همین جودی فاستر از نیمه دوم فیلم که نانسسی با نامه‌های اعتراف صلاحی به شکنجه موجه می‌شود، دیگر اسپر مستندمانی مک دونالد شده و از این پس به جز نمایش مقدماتی احساسات و اشک و آه و لیلخند شوق و ذوق از حضور اینترنتی صلاحی در دادگاه … و بازی دیگری ارائه نمی‌دهد.

بن‌دیکت کامبریج هم خیلی زود قافیه را به ساتنی منتالیسم حاکم بر نیمه دوم فیلم می‌بازد که از آن به بعد قرار است هر یک از موضوعات بیشمار فیلم را فقط با یکی دو اشاره تصویری خام‌دستانه متوجه شویم. مثلا با یک صحنه نظاهرات و برین تری (دستیار ناسی) متوجه فشارهای خارج از محیط بر وکیل محمود صلاحی هستیم، با دو سه نمای نزدیک و حتی اکستریم کلوزآپ از پلک زدن سرهنگ استیوارت و سرازیر شدن اشک‌های ناسی، قرار است به متحول شدن آن دو نفر بی‌بیریم، با یک سخنرانی شعاری صلاحی و چهره مهربان و متاثر رئیس‌داد، حکم صادره را در می‌بایم …

صحنه‌های شکنجه هم (به جز تک صحنه تومم زدن صلاحی که خوب درآمده) با سرمایه اتاق، صدای بلند موسیقی و بی‌خوابی (که بدون توضیح متوجه اش نمی‌شویم)، آب ریختن یا سر درآب فرو کردن صلاحی، نشان داده می‌شوند. در حالی که بدون چنین صحنه‌هایی مثلا در فیلم «گزارش» ساخته اسکات زکی برنز که سال گذشته نمایش داده شد، تنها ذکر لیستی از شکنجه‌های که تحت عنوان «کتیک‌های پیشرفته بازجویی» (Enhanced Interrogation Techniques یا به اختصار EIT توسط دو تن از روانشناسان نیروی هوایی آمریکا برای شکنجه بازداشت‌شدگان ۱۱ سپتامبر طراحی شد، بسیار بیش از این صحنه‌های نصفه و نیمه نمایش شکنجه تأثیرگذار بود.

در آن فیلم لیست شکنجه‌ها به این ترتیب ارائه شد:

کوبیدن متهم به دیوارهای لاستیکی، نگهداشتن صورت تحت فشار، سبلی‌های توهین‌آمیز، حبس در قفس‌های کوچک، حالت‌های تحت فشار مثل اویزان کردن و نشستن‌های استرس‌آمیز، مشکلات خواب و بیدار نگه داشتن‌های طولانی (بعضی از افراد تا ۱۸۰ ساعت یعنی بیش از یک هفته بیدار و سراسر بنگه داشته شدند)، تخته آب و غرق کردن مصنوعی، خواباندن درون قیرهای ساختگی و پرانکندن حضرات درون آن قیر، آب رسانی یا فشار از طریق مقعد که از دماغ و دهن قیرانی بیرون می‌زد، خوردن نوعی خوراک آمریکایی از طریق مقعد و…

اما در هر دو فیلم، علی‌رغم همه قانون شکنی‌ها، جنایت‌ها و اعمال وحشیانه پلیس و ارتش و وزارت دفاع و سازمان CIA و… اما اصل نظام ایالات متحده آمریکا و قانون اساسی این کشور را تطهیر کرده‌ و زنده و پاک جلوه داده می‌شود، گناهان و جنایات بر گردن یکی دو نفر یا یک حزب نهاده شده و در فیلم «گزارش» سازمان سیا و در فیلم «هوریتانیایی» جرج بوش و دانالز رامسفیلد، نهایتا بخشی از ارتش مقصر هستند) و بخشی از همین نظام آمریکا به پاک‌سازی قسمت ناپهنجار اقدام می‌کند، در فیلم «گزارش» مجلس سنا و سناتورهای آن و در «هوریتانیایی» سیستم قضایی ایالات متحده (که خصوصا اسامل در فیلم‌های متعددی به عنوان قهرمان آزادی معرفی شده) انحراف از قانون اساسی و آزادی‌های آمریکایی را تصحیح می‌نمایند و البته بارها و بارها هم از زبان کاراکترهای مختلف شاعرش را می‌دهند.

از همین روی صحنه‌های پایانی فیلم «هوریتانیایی» تقریبا مانند یک کلیپ تبلیغاتی برای دستگاه قضایی آمریکا عمل می‌کند. در واقع در صحنه دادگاه، ناسی هالندر دفاع خاصی انجام نمی‌دهد که کار اصلی را همان سخنرانی شعاری محمود صلاحی تمام کرده است. علیرغم همه این نکات، اما فیلم «هوریتانیایی» هم مانند فیلم «گزارش»، تقریبا در میان لیست‌های نامزدها و کاندیداهای فصل جوایز ۲۰۲۱ جایکوت شده و اگرچه در گلدن گلوب، یک جایزه برای نقش دوم زن نصیب جودی فاستر شده! (در حالی و نقش اول زن را در این فیلم ایفا می‌کرده) اما به هر حال نام این فیلم و بازیگران و عواملش، به جز لیست منتقدان لندن، در هیچ‌کدام از دهها لیست دیگر به چشم نمی‌خورد.



شهرویان مجرانی (ایلمسان)

پرویز شیخ‌طای (ایلمسان)

داود میربناغی (ایلمسان)

حسین یاری (بازیکر)

پروانه معصومی (بازیکر)

مهدی فقیه (بازیکر)

ایرامیح حاتم‌کیا (ایلمسان)

فرح‌الله سلحشور (ایلمسان)

هادی محمدیان (پویانما)

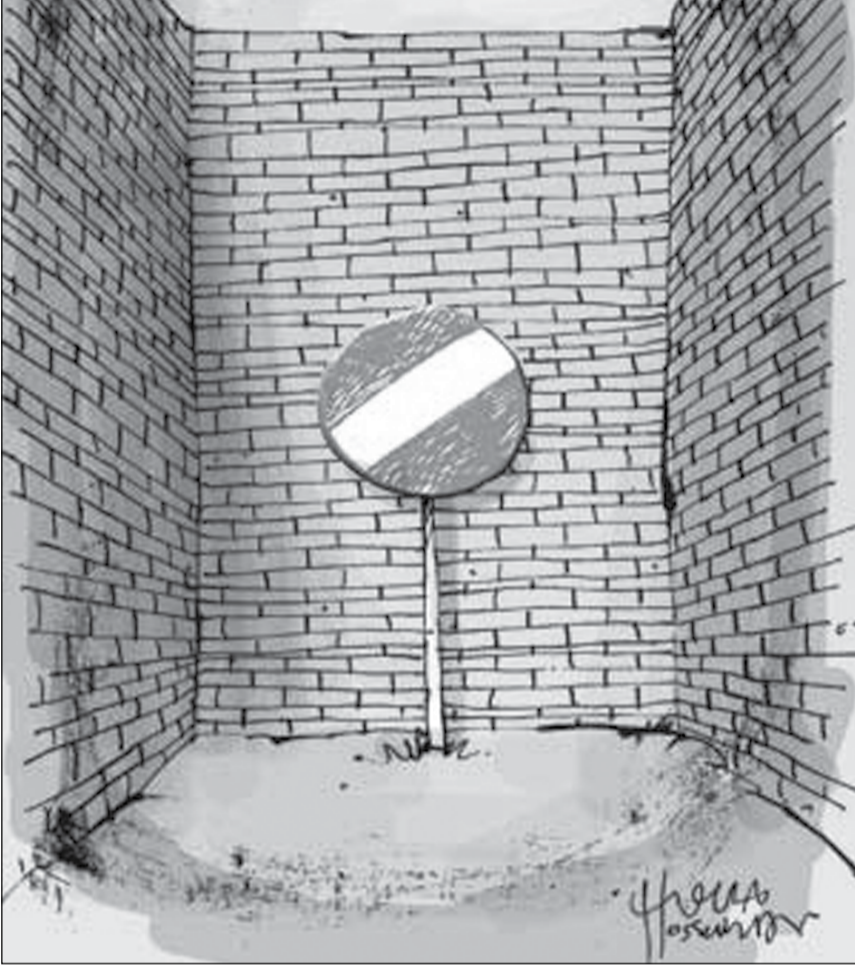
مجید جمیدی (ایلمسان)

شهید آویسی (ایلمسان)

جواد اردکانی (ایلمسان)

# آزادی رسانه‌ای در غرب؛ ادعا یا واقعیت؟

حسین کارگر



زمستان ۱۳۹۸ بود که خبر دست دادن **زلمای خلیسل زاد نماینده تام‌الاختیار رئیس جمهور آمریکا با نماینده طالبان در قطر و امضای پیمان صلح ایالات متحده با طالبان** در **رسانه‌های جهان منتشر شد. مهم‌ترین بخش این توافق این بود که آمریکا می‌پذیرفت طالبان گروهی سیاسی و نه تروریستی است و بدون توجه به پیمان امنیتی‌ای که با دولت مستقر در کابل داشت، از افغانستان خارج شود.**

این اولین بار بود که یک دولت پیمانی را با طالبان به صورت رسمی امضا می‌کرد و اصولا این گروه را به عنوان طرف قرارداد صلح به حساب می‌آورد. آن هم گروهی که حتی بخشی از حاکمیت یک کشور هم محسوب نمی‌شود و یکی از بهانه‌های حضور آمریکا در منطقه، سرکوب همین طالبان بود.

تیرماه ۱۴۰۰ رئیس‌جمهور آمریکا که همان راهبرد دولت‌های پیشین را در منطقه تکرار می‌کند به سادگی پایان حضور آمریکا در افغانستان را اعلام کرده،اما درباره نتیجه این جنگ ۲۰ ساله توضیحی نداد و این بخش را بر عهده رسانه‌های جریان اصلی غرب قرارداد.

**تفاوت پرس تی وی و رسانه‌های غربی**

روایت ناتو به رهبری آمریکا این است که بیست

سال علیه تروریسم القاعده در افغانستان جنگیدند و با کشتن بن لادن و بیرون کردن آن سازمان تروریستی پیروز شدند و حالا به کشورشان باز می‌گردند؛ در عین حال که دموکراسی هم در کابل برقرار شد. همین.

این رسانه‌ها مردم جهان را غافل از این نکته می‌خواهند که بن لادن یک دهه قبل، آن هم



مهدی فقیه (بازیکر)

ایرامیح حاتم‌کیا (ایلمسان)

فرح‌الله سلحشور (ایلمسان)

هادی محمدیان (پویانما)

شهید آویسی (ایلمسان)

یکی از حربه‌های کلیشه‌ای و کهنه دولت‌های غربی در مواجهه با کشورهای مستقل و رقیبای خود، ادعای دفاع از آزادی رسانه‌ها بوده است. این دولت‌ها همواره مخالفان خود را به نقض آزادی اطلاعات و سانسور متهم می‌کنند، اما واقعیت به گونه‌ای دیگر است. گرچه امروز همه در حیرت هستند که اتحادیه اروپا چگونه با این همه ادعای آزادی‌خواهی اقدام به حذف شبکه‌های تلویزیونی ایران از ماهواره‌ها تیرد نموده است، اما یکی از شاخه‌های اصلی نظام سلطه حاکم بر جهان انحصار رسانه‌ای است.

بطوری که تقریبا هیچ یک از سازمان‌های رسانه‌ای غربی، مستقل نیستند و همه آنها در خدمت دولت‌های حاکم قرار دارند. «برنا کولمن» نویسنده آمریکایی و کارشناس مطالعات رسانه در مقاله‌ای که در سایت «سواد رسانه‌ای» به این موضوع پرداخته و رسانه‌های آمریکایی را «حصاری» دانست، وی در این مقاله افشا کرد که رسانه‌های آمریکایی اعم از شبکه‌های تلویزیونی، ماهواره‌ای و رادیویی، شرکت‌های فیلم‌سازی، روزنامه‌های محلی و سراسری، انتشاراتی‌ها، شرکت‌های تولید موسیقی و… تنها در تملک شش کمپانی هستند. وی اسامی این کمپانی‌های بزرگ که تقریبا همه آنها تحت مالکیت سرمایه‌داران صهیونیست هستند را به این شرح معرفی می‌کند: شرکت‌های «تایم وارنر» و «ای‌اِم»، «والت دیزنی»، «تی‌ویز کورپ»، «وایونیدی یونیورسال» و «سونی».

کولمن در تشریح چگونگی اعمال انحصار رسانه‌ای در آمریکا توضیح داده بود: «شرکت‌های انحصاری رسانه‌ای نه تنها خروجی‌های ارتباطاتی را در تملک خود دارند، بلکه همچنین از طریق تعامل هیئت‌مدیره‌ها با دیگر کمپانی‌های رسانه‌ای نیز مستقیم بر رسانه‌ها تأثیر می‌گذارند.»

به این ترتیب، افرادی که با چنین ساختاری تعارض پیدا کنند از آن اخراج می‌شوند. مصداق بارز

که چرا ارتش افغانستان که تحت آموزش و فرماندهی ناتو تشکیل شد، بدون هر مقاومتی در برابر طالبان، سررها را یکی یکی تقدیم این گروه می‌کند؟

شکست‌هایی مانند سسی آن و بی‌بی‌سی غیرممکن است به این سوالات بپردازند که چرا آمریکا در مدت ۲۰ سال حضورش در افغانستان، یک ارتش قوی برای آن کشور پایه‌ریزی نکرد و امکانات لازم مانند نیروی هوایی، هوانپروز، لشگرهای رزمی و یگان‌های توپخانه و لجستیک و مهندسی رزمی برای آنها فراهم نکرد؟

واضح است که چرا آمریکا دامنه.com وب سایت پرس تی وی را مستعد می‌کند، آن‌هم دقیقا در زمانی که در حال گریز از افغانستان می‌شود. آمریکا تلاش می‌کند کسی صدای حق را برقرار قوی برای آن کشور پایه‌ریزی نکرد و امکانات لازم مانند نیروی هوایی، هوانپروز، لشگرهای رزمی و یگان‌های توپخانه و لجستیک و مهندسی رزمی برای آنها فراهم نکرد؟

مقایسه روایت پرس تی وی و شبکه‌های غربی از یورش به افغانستان

مدت ۲۰ سال گذشته ۵ میلیون آواره و پناهنده به کشورشان بازگشتند؟ آیا مشکلات افغانستان برطرف شد یا نتیجه حضور بیست ساله آمریکا فقط به بازگشت قوی‌تر و هوشمندانه‌تر همان طالبان منجر شد؟

این سوالات در پرس تی وی بیان می‌شود و معادلب می‌تواند از پشت‌پرده اعمال آمریکا و ناتو آگاه شود. طبعاً این مسئله مورد پسند دولت واشنگتن نیست؛ پس دست به مسدود کردن وب سایت این شبکه زد تا دست‌کم مردم ایالات متحده از این شبکه محروم شوند یا مدتی ارتباطی با آن برقرار نمانند.

قطعاً چنین پرسش‌های به حقی در فضای بین‌الملل می‌تواند آمریکا را به شدت به چالش بکشد. بیش از همه آمریکا باید پاسخگوی مالیات دهندگان آمریکایی باشد که هزار میلیارد دلار از بودجه فدرال آمریکا صرف کشور، ویرانی و شکنجه در افغانستان شد، بدون هیچ نتیجه‌ای.

همه می‌دانیم که القاعده نابود نشد و در منطقه برقرار ماند.



## تصویر کلیشه‌ای زن در سینما

عاطفه صادقی

در انزوی برنامه‌ریزی بر اساس مفاهیم اسلامی و فکر ناب انقلابی، گویایی که در بسیاری از رسانه‌ها از بانوی امروز ارائه می‌شود، نه تنها با مفاهیم سنتی و مذهبی مغایر است، بلکه کاملا در جهت منزوی کردن منزلت و کرامت اجتماعی زنان با تکیه بر مفاهیم و آموزه‌های مشوش غربی است.

یعنی مشکل ما تعریف زن در پارادایم غرب نیست؛ مشکل در تسری الگوی غربی به نام زن متمدن، پیشرو و مدرن به کشورهای جهان اسلام، به ویژه ایران است. الگویی که سرپال‌های سفید و برنامه‌های اجتماعی شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌های مختلف هر روزه به شکلی بازتولید می‌کنند و این همان نکتهای است که به هیچ وجه نمی‌توان نسبت به آن بی‌تفاوت بود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به کنگره هفت هزار بانوی شهید کشور در تاریخ ۹۱/۱۲/۱۶، کلدیوازه «زن مسلمان ایرانی» را در مقابل تعاریف رایج از زن در شرق و غرب چنین مطرح کردند: «زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود و در عین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز سنگرسازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد. زنانی که لوح احساس و لطف و رحمت زنانه را از روح جهاد و شهادت و مقاومت درآمیختند و مردانه‌ترین میدان‌ها را با شجاعت و اخلاص و فداکاری خود فتح کردند.»

باوجود هفت هزار بانوی شهید، سهم بانوان از بازنمایی نقش آنان در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در چند کتاب خاطره از مرضیه حدیدچی، دا، من زنده‌ام، دختر شینا و کنبه از خاطرات همسران شهیدا خلاصه می‌شود! آیا

این چند کتاب در بازنمایی و الگوسازی از نقش زنان مسلمان ایرانی موفق و کافی هستند؟!

چقدر با این تصویر از زن در رسانه ملی و آثار سینمایی کشور آشناشیم؟!

اوضاع در بحث آثار سینمایی و تلویزیونی از کتاب وخیم‌تر است، به جز فیلم «شیار ۱۴۳» و تریسم نقش‌هایی مانند فاطمه، همسر حاج‌کالم در فیلم «آژانس شیشه‌ای»، همسر فریدون در فیلم «فدوی» و چند نمونه محدود دیگر، هنرمندان و فیلمسازان ما به دلیل عدم شناخت مناسب، اغلب دچار کلیشه و سطحی‌نگری در تریسم چنین بانوانی شده‌اند. بانوانی که سواده و بی‌توقع در اطراف از زندگی می‌کنند و به تغییر رهبر معظم انقلاب، با حضور اجتماعی عفیف در عین توجه کامل به خانواده، افق جدیدی از حضور آگاهانه و مسئولانه، برای زنان جهان تریسم کرده‌اند! ایرانی را در مقابل تعریف از زن در غرب، تعریف و ترویجی عینیت‌یافته و پیش‌رو از زن مسلمان ایرانی را در جهان امروز رقم زدند و با این وجود متأسفانه نسبت به الگوسازی از آنان از سوی رسانه‌ها کمتر اهتمام شده است.

در پاکستان کشته شد نه در افغانستان و از زمان بحران سوریه بیشتر اعضای القاعده به سوریه سپس به عراق رفتند و پایه گذار جبهه النصره، داعش و سایر سازمان‌های تکفیری وهابی در جهان عرب شدند؛ پس چرا آمریکا و اروپا باز هم ده سال در افغانستان باقی ماندند؟



ارتش قوی برای آن کشور پایه‌ریزی نکرد و امکانات لازم مانند نیروی هوایی، هوانپروز، لشگرهای رزمی و یگان‌های توپخانه و لجستیک و مهندسی رزمی برای آنها فراهم نکرد؟

واضح است که چرا آمریکا دامنه.com وب سایت پرس تی وی را مستعد می‌کند، آن‌هم دقیقا در زمانی که در حال گریز از افغانستان می‌شود. آمریکا تلاش می‌کند کسی صدای حق را برقرار قوی برای آن کشور پایه‌ریزی نکرد و امکانات لازم مانند نیروی هوایی، هوانپروز، لشگرهای رزمی و یگان‌های توپخانه و لجستیک و مهندسی رزمی برای آنها فراهم نکرد؟

## چرا سینمای غرب به آخرالزمان می‌پردازد؟

مهدی امیدی

اغلب کشورهای غربی را سرمایه‌دارهای صهیونیست اداره می‌کنند، بسیار کهنه و قدیمی است. صهیونیست‌ها در تمام طول تاریخ (از زمان انحراف از مسیر اصلی آئین کلمبی تا کنون) همواره در پی سوداگری و جنگ و اشغال سرزمین‌ها بوده‌اند. آنها برای دست یابی به اهدافشان، همواره به اعمال و مشی خود رنگ و لعابی مقدس و رهایی بخش زده‌اند. به عنوان مثال، یهودیان مهاجر به قاره آمریکا (بیورتن‌ها) از چنین حربه‌ای برای قتل عام بومیان آن سرزمین استفاده می‌کردند. نوام چامسکی، نظریه پرداز مشهور آمریکایی در یکی از کتاب‌هایش با عنوان «سال ۵۰۱، اشغال ادامه دارد» به این مسئله پرداخته که بیورتن‌ها، قاره آمریکا را سرزمین موعود می‌نامیدند و بومیان و سرخپوستان آنجا را اشغالگران کلمعانی تلقی می‌کردند. به طوری که در یکی از نوشته‌هایشان آمده بود: «…آن جماعت بومی، مورد علاقه خداوند نبودند، لذا از بهشت روی زمین پاک‌سازی شدند. حمد و سیاست از کتاب عهد عتیق، کنعانیان(فلسطینیان) را معدوم نمودند.»

به همین دلیل هم نژادپرستی و برتری بخشیدن به غربی‌ها و صهیونیست‌ها در فیلم‌های آخرالزمانی هالیوود به وفور دیده می‌شود.

